

«تحلیل انتقادی قرائت دکتر سها از عدالت جنسیتی و نظام حقوق زن در قرآن»

نویسنده: وجیهه شکرانی پور^۱

چکیده

قرآن کریم نظامی جامع و عادلانه برای حقوق زنان ارائه کرده که ابعاد آزادی فردی، حقوق مادی و جایگاه اجتماعی آنان را دربرمی گیرد و هیچ گونه امتیاز جنسیتی را نمی پذیرد. از آغاز اسلام تاکنون، دشمنان درصدد ایجاد شبهه نسبت به قوانین و احکام قرآن بوده اند. یکی از نمودهای بارز این جریان، کتاب ممنوعه‌ی «نقد قرآن» اثر شخصی با نام مستعار «دکتر سها» است که ضمن متهم کردن قرآن به برتری مرد بر زن، اتهامات بسیاری از جمله بردگی زن و سلب حقوق اجتماعی مطرح کرده است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی و تفسیری، به پاسخ‌گویی به شبهات مذکور و تبیین ماهیت حقیقی حقوق زن در قرآن پرداخته است. یافته‌های مستند این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم با هرگونه ظلم به‌طور اصولی مقابله کرده و جایگاه زن را فراتر از بردگی و سلطه‌پذیری مرد ترسیم نموده است. در نگاه قرآنی، آزادی‌های فردی و حقوق مادی و اجتماعی زنان مورد احترام و حمایت قانونی قرار دارد. معیار حق در این نظام، برخورداری از پشتوانه‌ای تکوینی و هماهنگی با واقعیت‌های پایدار نظام هستی است، نه اموری که صرفاً زاده تمایلات و خواسته‌های نفسانی باشند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، حقوق زن، شبهات قرآنی، نقد قرآن، دکتر سها

^۱ طلبه سطح ۴ مدرسه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها اصفهان

مقدمه

در فضای امروز، شبهات نسبت به حقوق زن در آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه قرآن کریم شکل تازه‌ای یافته است. طرح دیدگاه‌های غیرمستند، تغییر معنای آیات و القای برداشت‌های ناصحیح، سبب ایجاد این تصور نادرست در ذهن برخی مخاطبان می‌شود که قرآن، حقوق زن را محدود یا جنس مرد را برتر می‌داند. انتشار کتاب «نقد قرآن» نمونه شاخص چنین تلاش‌هایی است. این کتاب با استفاده از آیاتی گزینشی، تلاش کرده است تا تصویری منفی از قرآن و جایگاه زن در آن ارائه دهد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که اعتبار این ادعاها تا چه حد است و چه پاسخ‌های مستند قرآنی و تفسیری می‌تواند به آنها داده شود؟

قرآن کریم با نگاهی جامع و همه‌جانبه، دربرگیرنده‌ی مصالح مادی و معنوی، درباره‌ی حقوق بشر سخن گفته است. از منظر قرآن، انسان دارای کرامت ذاتی است و همه‌ی انسان‌ها — اعم از زن و مرد — در اصل خلقت برابرند. معیار برتری در نگاه قرآن، تنها **طاعت الهی و تقواست**، نه جنسیت یا موقعیت اجتماعی. بر اساس آموزه‌های قرآن، حق، آن چیزی است که ریشه در نظام ثابت آفرینش داشته و هماهنگ با واقعیت هستی باشد؛ در مقابل، اموری که برخاسته از خواسته‌های نفسانی‌اند، حق شمرده نمی‌شوند بلکه باطل‌اند و تنها شباهتی ظاهری به حق دارند. همچنین آنچه در شکل‌گیری و پرورش هویت زن یا مرد نقشی ویژه و اساسی داشته باشد، حق ویژه‌ی همان فرد محسوب می‌شود.

از آغاز ظهور اسلام تاکنون، دشمنان با شیوه‌های گوناگون، از جمله ایجاد شبهه نسبت به قوانین و احکام قرآن، تلاش کرده‌اند با این کتاب الهی مبارزه کنند. یکی از نمونه‌های مطرح در این زمینه، کتاب **ممنوعه «نقد قرآن»** نوشته‌ی شخصی با نام مستعار «دکتر سها» است که کتابی آمیخته به اتهام و تحریف منتشر کرده و ادعا نموده که قرآن، مرد را برتر از زن دانسته است. نویسنده، آیاتی از قرآن را به عنوان شاهد این ادعا بیان کرده و اتهامات متعددی به قرآن نسبت داده که از جمله عبارتند از: پذیرش بردگی زن، سلب حقوق مادی و اجتماعی او و غیره. تحقیق پیش رو بر آن است تا شبهات دکتر سها را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد.

پیشینه

پژوهش‌های متعددی به بررسی جایگاه زن در اسلام پرداخته‌اند. با وجود این، پژوهش‌های موجود هنوز به ارائه پاسخ کاملاً مستند و یکپارچه، مبتنی بر هم‌زمانی معیارهای علمی و تفسیری، نپرداخته‌اند. در پاسخ به شبهات این کتاب، اثری با عنوان «بررسی مبانی نقد قرآن دکتر سها» نوشته‌ی دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی به چاپ رسیده است؛ هرچند پاسخ‌های ارائه‌شده در این کتاب هنوز همه‌جانبه و کامل نیست. علاوه بر این، فایل PDF مفصل و ۳۲۶۹ صفحه‌ای با عنوان «کشف نیرنگ و رد بهتان در پاسخ به نقد قرآن» توسط گروه «عبدالرحمان» — از اهل سنت — تألیف شده است که نقدی جامع بر کتاب ممنوعه‌ی «نقد قرآن» محسوب می‌شود و بر پایه‌ی تفسیر طبری گردآوری شده است. البته، در کنار این آثار، تفاسیر شیعی و منابع متعدد اسلامی پیرامون حقوق زن در قرآن می‌توانند راهگشای پاسخ‌گویی دقیق و علمی به شبهات باشند.

این کتاب ممنوعه، علاوه بر تحریف آموزه‌های قرآن، با بی‌احترامی به پیامبر اعظم (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) و حتی انکار وجود خداوند همراه است. در شرایط امروز که بی‌عدالتی در جهان گسترده شده، اگر زنی بدون آگاهی لازم با چنین شبهاتی روبه‌رو شود — شبهاتی مبنی بر برتری مرد و حقوق بیشتر شوهر — ممکن است این ادعاها در ذهن او جای حقایق واقعی را بگیرند. چنین فضای ضدتبلیغی نه‌تنها ارتباط فرد با قرآن و اسلام را لطمه می‌زند، بلکه ذهنیت او را برای تدبر و فهم صحیح آیات تیره کرده و او را از مسیر حق و صراط مستقیم دور می‌سازد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر پاسخگویی مستدل و مستند به شبهات وارده بر آیات قرآن، با استفاده از خود قرآن است؛ پاسخ‌هایی که بر پایه‌ی آموزه‌های اصیل اسلامی بتوانند ذهن‌ها را از غبار شبهه پاک کرده و حقیقت وحی الهی را روشن سازند.

روش تحقیق

این تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی بهره می‌گیرد. این روش شامل جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تفسیر داده‌های متنی است. داده‌ها مستقیماً از متن قرآن کریم (به‌عنوان متن اصلی) و متون تفسیری معتبر (به‌عنوان منابع تبیینی) استخراج می‌شود. تمرکز بر روش تفسیری «تفسیر موضوعی محدود» است که در آن، شبهات حقوقی زنان بر اساس یک دسته از آیات مرتبط (حقوق زن و خانواده) بررسی می‌شود. در این تحلیل، به سیاق آیات، مفردات لغوی، و نظر مفسرین مشهور توجه ویژه‌ای شده است تا برداشت‌های سطحی و خارج از بافت رد شوند.

شبهات دکتر سها پیرامون حقوق زنان

دکتر سها نویسنده کتاب نقد قرآن معتقد است: «قرآن تساوی حقوق انسان‌ها را قبول ندارد و انسانها را از نظر ارزش و ضوابط حقوقی به چند طبقه تقسیم می‌کند، یعنی قرآن با اساسی‌ترین اصل حقوق بشر یعنی تساوی انسان‌ها مخالف است.» یکی از موارد، برتری مرد بر زن است. وی در ادعای خود آیاتی را به عنوان نمونه ذکر می‌کند که در اینجا به ذکر چند آیه بسنده می‌کنیم:

حق آزادی زن

سها در چند شبهه نتیجه می‌گیرد که زن برده مرد است، از جمله؛

۱. مالکیت فرزندان برای شوهران

{وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ .. و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر کسیکه فرزند مال اوست (پدر) خوراک و پوشاک آنان [=مادران] به طور شایسته است .. (بقره ۲۳۳)}

این آیه می‌گوید فرزندان متعلق به پدر هستند نه مادر. مادر مانند برده ای است که می‌زاید و شیر می‌دهد و رنج می‌برد برای مردان.^۲

{وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ}

و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و خوراک و پوشاک آنان [=مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]. و مانند همین [احکام] بر عهده وارث [نیز] هست. پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر، کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید برای

۱. سها، نقد قرآن، ص ۴۹۸.

۲. همان، ص ۵۰۴.

۳. بقره، ۲۳۳. (ترجمه آیات از محمد مهدی فولادوند)

فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست، به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته‌اید، به طور شایسته بپردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

ادعای دکتر سها:

دکتر سها با استناد به عبارت «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ» (و بر کسی که فرزند از اوست / متعلق به اوست)، این برداشت را دارد که فرزند متعلق به پدر است و در نتیجه زن در اولویت دوم قرار می‌گیرد.

پاسخ شبهه

آیه ۲۳۳ سوره بقره در بیان وظایف والدین در دوران شیردهی، به شکلی ظریف، پیوند فرزند با هر دو والد و به‌ویژه مادر را آشکار می‌سازد. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...»

(و مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند، برای کسی که بخواهد شیرخوارگی را کامل کند...)

تعبیر «أَوْلَادَهُنَّ» به‌طور مستقیم فرزند را به مادر نسبت می‌دهد و این خود، بیانگر رابطه عمیق و محوری مادر با کودک است که از جنبه‌های تکوینی (پدید آمدن فرزند از وجود مادر) و تشریعی (حقوق، حرمت نکاح و مسئولیت تربیت) قابل بررسی است.

در تفسیر مجمع‌البیان آمده است که انتخاب واژه «أَوْلَادَهُنَّ» بر اختصاص و شدت ارتباط مادر با فرزند دلالت دارد و حتی در بعد حقوقی، یکی از دلایل محرمیت و حرمت نکاح را همین نسبت می‌داند.^۱

تفسیر نمونه نیز با تحلیل این آیه، به نقش دو سویه والدین اشاره کرده است: مادر به‌عنوان محور شیردهی و مراقبت اولیه، و پدر به‌عنوان مسئول تأمین هزینه‌های زندگی مادر و کودک؛ و این را نظامی متعادل میان تکوین و تشریع معرفی می‌کند.^۲

در سوی دیگر، آیه به پدر نیز اشاره کرده و می‌فرماید: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (و بر کسی که فرزند از اوست (پدر)، خوراک و پوشاک آنان (مادران) به‌طور شایسته است). برخی با استناد به عبارت «المولود له» (کسی که فرزند برای اوست)، اینگونه استدلال کرده‌اند که فرزند صرفاً متعلق به پدر است و این نشان‌دهنده جایگاه دون‌پایه زن و نوعی مالکیت مرد بر فرزند است.

تحلیل عبارت «والوالدات یرضعن أولادهن»

۱. بقره، آیه ۲۳۳

۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۲۸.

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۵۶.

افزون بر این، تاریخ صدر اسلام نمونه‌های روشن از فعالیت اجتماعی زنان را نشان می‌دهد؛ همچون حضرت فاطمه زهرا (س) و حضرت زینب (س) که در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نقش‌آفرینی کرده و سخنرانی‌های اثرگذار داشته‌اند.^۱

۱. رضایی اصفهانی، بررسی مبانی نقد قرآن دکتر سها، ص ۱۴۳

نتیجه

قرآن کریم نظامی عادلانه و جامع برای حقوق زن ترسیم کرده است، در حالی که «دکتر سها» با استناد به برخی آیات، منکر برابری حقوق زن و مرد شده است. هدف این پژوهش، بررسی انتقادی ادعاهای مذکور و رفع شبهات مطرح شده می‌باشد.

در آموزه‌های قرآنی، حق آزادی، حقوق مادی و اجتماعی زن محترم شمرده شده و برای تحقق هر یک، قوانین ویژه وضع گردیده است. نسبت فرزند در قرآن، هم به پدر و هم به مادر داده شده است؛ و این نسبت‌دهی به پدر، برای جلب عاطفه و تعهد مالی او جهت تأمین معاش کودک است تا مادر بتواند با فراغ بال به تغذیه و تربیت او بپردازد. مادر نیز اختیار دارد مسئولیت شیردهی و نگهداری کودک را نپذیرد و آن را به دایه بسپارد؛ بنابراین، برخلاف برداشت سها، مادر موجودی تحت سلطه و برده تلقی نمی‌شود.

مبانی حقوق در اسلام، تنها اموری را «حق» می‌دانند که از پشتوانه تکوینی برخوردار بوده و با سنت‌های حاکم بر هستی هماهنگ باشند؛ در حالی که اموری برآمده از خواسته‌های نفسانی، حق محسوب نمی‌شوند. حقوق اختصاصی زن یا مرد، زمانی مشروعیت دارد که نقشی اساسی در شکوفایی هویت خاص هر یک ایفا کند.

در خصوص سرپیچی زن از انجام وظایف خانوادگی، قرآن شیوه‌ای تدریجی را بیان می‌کند: نخست پند و اندرز، سپس جدایی در بستر و کاهش توجه، و در صورت بی‌اثر بودن این مراحل، اجازه تنبیه بدنی در حدی که نه موجب کبودی یا آسیب جدی شود و نه به تنفر بینجامد؛ این مرحله آخر است، نه آغاز. همچنین مرد به شدت از سوءاستفاده از این حکم برحذر داشته شده است.

در شریعت اسلامی، مهریه می‌تواند وجه نقد، مال عینی یا حتی منفعتی مشروع مانند آموزش بخشی از قرآن باشد. نمونه‌ای تاریخی آن، داستان خواستگاری دختر حضرت شعیب از حضرت موسی (ع)، که منفعت کار چوپانی در قالب شرط ازدواج مطرح شد. این منفعت مستقیماً به سود دختران بود و ماهیت فروش زن نداشت.

از دیدگاه قرآن، فلسفه آفرینش زن فراتر از غرایز جنسی است؛ زن اصالتاً منبع آرامش روانی خانواده معرفی شده و مرد مجذوب مهر و محبت اوست. مهریه هدیه‌ای است از سوی مرد، و در عقد نکاح (دائم) زن و مرد دو رکن

اصلی پیمان‌اند؛ مهر در حاشیه قرار دارد و حذف آن موجب بطلان عقد نمی‌شود، برخلاف معاملات که حذف قیمت موجب بطلان است. در ازدواج موقت نیز، ایجاب و قبول با صیغه‌های مخصوص ازدواج انجام می‌شود و زن با اختیار کامل وارد عقد می‌گردد؛ ماهیت آن با اجاره یا قرارداد کاری تفاوت دارد و هدفش پیشگیری از فساد در شرایط ضرورت است.

در موضوع ارث، گرچه سهم ظاهری مرد دو برابر زن است، ولی با توجه به تکالیف مالی مرد (نفقه زن و فرزندان، مهریه، دیه در موارد قتل خطایی)، سهم واقعی زنان از نظر بهره‌برداری، عملاً بیش از مردان بوده و می‌توان آن را دو برابر دانست. نفقه تنها در صورت تمکین زن بر عهده مرد است، اما مهریه از زمان انعقاد عقد، در هر حال حق زن محسوب می‌شود و حتی در صورت تخلف یا گناهکاری او، قابل استرداد نیست؛ برخلاف ادعای سها.

قرآن زنان را به گفتار شایسته و بدون لحن نازک و عشوہ‌آمیز در تعامل با مردان توصیه می‌کند تا مردان بیمار دل به طمع نیفتند. برخلاف نظر سها، قرآن حضور اجتماعی زنان را با رعایت معیارهای عفاف تأیید می‌نماید.

در تحلیل آیات باید نگاه جامع داشت؛ آیات قرآن یکدیگر را تفسیر و تکمیل می‌کنند و حدود هر حکم در پرتو مجموع آیات روشن می‌گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. تفسیر القرآن العظیم. ج ۱، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق
۳. سها، نقد قرآن، ویرایش دوم، اینترنتی، ۱۳۹۳ش.
۴. جوادى آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰ ه.ش.
۵. _____، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶ ه.ش.
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳ ه.ش.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی «مبانی نقد قرآن، دکتر سها»، قم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، بی تا.
۸. الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۹. صفایی، حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، (۲۰ جلدی)، بی تا.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات علمی اسلامی، بی تا.
۱۲. علاسوند، فریبا، زن در اسلام، قم، حوزه علمیه قم، مرکز نشر هاجر، چاپ هشتم، ۱۳۹۹ ه.ش.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور (مجموعه ۱۰ جلد)، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. القرطبی، محمد بن احمد. الجامع لأحكام القرآن. ج ۵، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ق
۱۵. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۹ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۷. الموسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۶ش.
۱۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین «المعاملات»، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ق.
۱۹. النجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۰۰ق.

۲۰. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش.